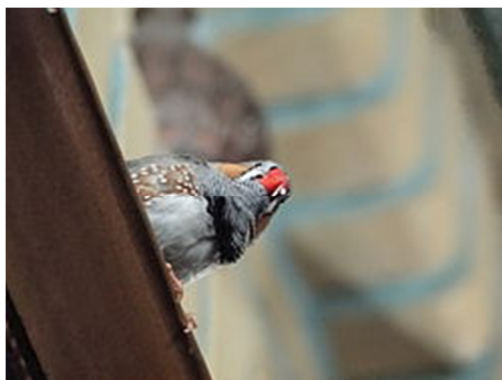


## حقوق جانوران از دیدگاه اخلاق

بحث درباره‌ی اخلاق و رویکرد اخلاقی انسان‌ها در مورد جانوران به گذشته‌های بسیار دور می‌رسد. نخستین اشاره‌ها به حقوق جانوران و رفتاری که انسان باید در برابر آن‌ها پیش گیرد تا اخلاق را رعایت کرده باشد، به یونان باستان بازمی‌گردد. در کل، دیدگاه‌های گوناگون درباره‌ی این که انسان باید چه رویکردی نسبت به جانوران دیگر در نظر گیرد به سه دسته اصلی تقسیم می‌شوند: دیدگاه "عدم التزام"، "التزام نامستقیم" و "التزام مستقیم".

در دید کسانی که به عدم التزام انسان به داشتن دستگاه اخلاقی باور دارند، جانوران هیچ حقوقی ندارند و انسان‌ها می‌توانند با آن‌ها هر آن‌گونه که دوست دارند، رفتار کنند، افلاطون از جمله هواداران این دیدگاه بود و جانوران را "هیولاهای بی‌قانون" می‌خواند. دیگر باورمندان به این دیدگاه، از جانوران "به مانند پتک و سنگ" نام برده‌اند؛ یعنی همان‌گونه که پتکی می‌تواند سنگی را به هر شکل که خواست در بیاورد، انسان نیز می‌تواند جانوران را به هر روش دلخواه به زیر سلطه خود آورد.



### مجاورت با انسان

باورمندان به "التزام نامستقیم" اما، حقوق جانوران را نه به خاطر وجود خودشان، که برای ارتباطی که آن‌ها با انسان‌ها دارند، قابل تعریف می‌دانند. آن‌ها بر این باورند که اگرچه جانوران حقوقی ندارند، اما این نمی‌تواند دلیلی برای انسان در برخورد ناشایست با آن‌ها باشد. در عوض، ما باید با احترام با آن‌ها برخورد کنیم چون این باعث برخورد احترام‌آمیز ما با همدیگر می‌شود. برای نمونه، هنگامی که با جانور خانگی کسی برخورد بد کنیم، انگار با آن شخص برخورد ناشایست کرده‌ایم.

رویکرد این دیدگاه در برابر جانوران وحشی نیز به همان صورت تعریف می‌شود: این که با جانوری رفتار شایسته داشته باشیم باعث می‌شود که با دیگران نیز رفتار شایسته در پیش گیریم. کانت و آکویناس از جمله هواداران این دیدگاه بودند. کانت می‌گوید: "اویی که به جانوران ستم کند، در ارتباط خود با مردمان نیز ستمکار می‌شود". آکویناس نیز تلاش کرد تا دیدگاه مسیحیت نسبت به جانوران را با بهره‌گیری از کتاب مقدس تبیین کند. او بر این باور بود که اگرچه

کتاب مقدس، انسان را به تحت سلطه درآوردن جانوران وحشی فرا می‌خواند؛ در عین حال کارهایی همچون پوزه‌بند زدن بر روباه یا کشتار پرنده‌ی همراه با جوجه‌اش را غیراخلاقی می‌داند.

موارد بسیاری برای درستی یا نادرستی دیدگاه التزام نامستقیم ارائه شده‌اند. برای نمونه، بررسی‌ها نشان می‌دهند که نوجوانانی که از دیدن شکنجه‌ی گربه‌ها لذت می‌برند پتانسیل بیش‌تری برای خلافکار شدن در بزرگسالی دارند. در سوی مخالف اما، کسانی نیز که به حقوق جانوران اهمیت می‌دهند صرفاً بشردوست نمی‌شوند؛ نازی‌ها از جمله بزرگ‌ترین هواداران حقوق جانوران در طول تاریخ بوده‌اند ولی کشتارهای فجیعی بر ضد انسان‌ها داشته‌اند. اگرچه بررسی‌های روانشناسانه در رابطه با درستی این نگره پیشنهاد شده‌اند، تعدادی از فیلسوفان آن را به خاطر "ذات انسان‌محورانه‌اش" زیر سؤال برده‌اند و دیدگاه التزام مستقیم را مطرح کرده‌اند.

در دیدگاه التزام مستقیم، انسان‌ها به صورت مستقیم ملزم به رعایت اصول اخلاقی در برابر دیگر جانوران هستند. دو بنیان برای چنین دیدگاهی وجود دارد: فایده‌گرایی، وظیفه‌گرایی.

بر پایه فایده‌گرایی، انسان‌ها و جانوران هر دو "حساس" هستند و رفتار انسان باید در جهت افزایش شادی و لذت در جامعه حساسان و کاهش درد و رنج در میان آن‌ها باشد. کم کردن از بار رنج و درد جانوران خود عملی اخلاقی است و به گفته جرمی بنتام، انسان نباید از خود بپرسد آیا جانوری سخن می‌گوید یا توانایی استدلال دارد، بلکه آیا درد می‌کشد یا نه؟ پیتر سینگر از جمله هواداران کنونی و اصلی این دیدگاه است. در کتاب نامدارش، رهایی جانوران، او استدلال می‌کند که انسان‌ها باید پیش از اقدام به انجام هر کاری با خود بیندیشند که آیا با این کار شادی در میان همه‌ی جانداران حساس بیشینه می‌شود یا نه؟ در صورتی که انسان به چنین چیزی نیاندیشد، به نوعی گونه‌پرستی کرده است که عبارت است از ترجیح یک گونه‌ی زیستی به دیگر گونه‌ها.

**منبع:** ویکی‌پدیا

**ویرایش:** پرتال آموزش و ترویج سازمان دامپزشکی کشور